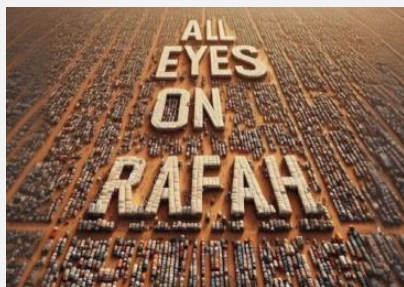


## نگاه جهان به «رفح»



«ALL EYES ON RAFAH». تقریباً محال است طی دیروز و امروز کسی نوار «استوری» مخاطبانش در اینستاگرام را باز

کرده و با این عبارت مواجه نشده باشد؛

«ALL EYES ON RAFAH». تقریباً محال است طی دیروز و امروز کسی نوار «استوری» مخاطبانش در اینستاگرام را باز کرده و با این عبارت مواجه نشده باشد؛ عبارتی که با تصاویر مختلف و در واکنش به جنایت دو شب پیش صهیونیست ها در سلاخی آوارگان بی پناه فلسطینی در «رفح»، موج میلیونی همدلی برانگیزی را در فضای مجازی به راه انداخته است.

به گزارش ایسنا، متن پیش رو گزارش فرهیختگان از موج بی سابقه حمایت جهانی از مردم فلسطین در فضای مجازی برای محکومیت جنایت اخیر صهیونیست ها است که در ادامه می خوانید:

«ALL EYES ON RAFAH». تقریباً محال است طی دیروز و امروز کسی نوار «استوری» مخاطبانش در اینستاگرام را باز کرده و با این عبارت مواجه نشده باشد؛ عبارتی که با تصاویر مختلف و در واکنش به جنایت دو شب پیش صهیونیست ها در سلاخی آوارگان بی پناه فلسطینی در «رفح»، موج میلیونی همدلی برانگیزی را در فضای مجازی به راه انداخته است.

نزدیک ترین معنا به این عبارت را نیز شاید بتوان اینگونه به فارسی ترجمه کرد: نگرانیم و از «رفح» چشم برنمی داریم. پرسش این است مگر چه اتفاقی در کمپ آوارگان در رفح افتاد که تا این حد آتش به جان عالم زد؟ جالب اینجاست که مطابق انتظار با فراگیری این موج همدلی برانگیز، دستگاه رسانه ای صهیونیست ها مثل همیشه وارد فاز دوم رسانه ای خودش شد و سناریوهای نخ نماشده اش را پیش کشید.

در مرحله نخست و پس از اینکه تصاویر اجساد سوخته کودکان منتشر شد، آن قدر هولناک بود که بلافاصله هر مخاطبی را به شوک فرو می برد. تصاویر غیرقابل نمایش بود، به خصوص تصویر بدن تکه پاره شده کودکی که سر به تن نداشت و... . روی همین حساب، همان شب «فایننشال تایمز» بی شرمانه تیتز زد «ده ها فلسطینی بعد از انفجار منطقه ای در کمپ آوارگان غزه که امن اعلام شده بود، کشته و زخمی شدند». نمی شد چشم روی چنین جنایتی بست؛ ولی از نظر آن ها می شد صحنه را جور دیگری ترسیم کرد. راحت ترین کار اینجا مثل همیشه، حذف «نهاد» است و تبدیل کردن جمله از معلوم به مجهول. آن ها این طور نوشتند ولی کنشگران فضای مجازی روی عبارات فایننشال تایمز خط کشیدند و این طور تیتز زدند: «اسرائیل با حمله هوایی، ده ها نفر را در کمپ آوارگان به خاک و خون کشید». رسانه های فارسی زبانی چون «بی بی سی فارسی» هم همین رویه را پیش گرفتند و نوشتند: «مردم گرفتار در چادرهای رفح زنده زنده در آتش سوختند». اینجا هم نه خبر از کسی بود که مردم را آواره کرده و نه از کسی که خیمه هایشان را به آتش کشیده است.

حالا هم که موج همدلی، جهان را برداشته، وارد مرحله دوم شده و بی شرمانه می گویند تقصیر حماس بوده که آن طرف تر داشته به سمت ما راکت پرتاب می کرده است. سخنگوی ارتش جنایتکارشان هم گفته این احتمال هم بعید نیست که شاید مهمات خود حماس آنجا دیو بوده و منفجر شده است!

به هر ترتیب، قصه این روزهای رفح، حکایت بی شرمی است در حادثه ترین شکل ممکنش. این بی شرم ها همان شب جنایت در رفح، فیلم های چادرهای آتش گرفته را بازنشر می کنند و عید «لاگ بااومر» را به هم تبریک می گویند؛ همان عیدی که از سنت هایش آتش به پا کردن است. توحش این قوم واقعاً حد ندارد. واقعاً می توان تصور کرد کسی بتواند تصویر مردی که کودک بی سر خود را در میان این خیمه های سوخته به دست گرفته، منتشر و آن را به تبلیغ فروش مرغ یک فروشنده برای ایام عید تشبیه کند؟ همین الان که دارم این جملات را می نویسم، خبر آمد که بی شرم و حیاه ۲۰ زن و کودک را با بمب های چندصد پوندی ساطوری کردند. آدم می ماند دیگر چه بگوید. به قول یکی از اینفلوئنسرهای آمریکایی که پس از وقوع این جنایت، ویدئو صحبت هایش خیلی دست به دست شد، باید گفت: «دیدن تصاویر جنایت رفح باید خط قرمز ما باشد. باید دیوانه وار فریاد بزنیم. تنها چنین واکنشی است که پس از دیدن پیکر سوخته کودکی بی سر باید طبیعی تلقی شود. هر رفتاری غیر از این غیرطبیعی است». باید قصه فلسطین را فریاد کشید. دیوانه وارا!